

# یادداشت‌ها

آلبر کامو

مترجمان

خشایار دیهیمی

شهلا خسروشاهی



نشرنامه

تهران

۱۳۹۸

## سخن مترجم



جلد اول

۱۳۳۲ - ۱۳۳۳

چهار جلد کتابی که سه جلد نخست آن تحت عنوان یادداشت‌ها و جلد چهارم آن تحت عنوان یادداشت‌های سفر به شما عرضه می‌شود عیناً به همان صورتی تنظیم شده‌اند که انتشارات گالیمار آن‌ها را منتشر کرده است. جلد اول کتاب با دو ترجمه‌ی انگلیسی، جلد دوم آن با سه ترجمه‌ی انگلیسی و جلد‌های سوم و چهارم با یک ترجمه‌ی انگلیسی مطابقت داده شده‌اند. پیش‌تر، جلد اول این مجموعه را نشر تجربه به چاپ رسانده بود. سال‌ها طول کشید تا آرزوی دیرینه‌ی من، که انتشار کامل این مجموعه بود، مقدور و میسر شود. این کار بدون همکاری صمیمانه‌ی خانم شهلا خسروشاهی، که زحمت ترجمه‌ی جلد سوم را متقبل شدند، به سرانجام نمی‌رسید. به سهم خودم از همکاری ایشان سپاسگزارم. در مورد پانوشت‌های این مجموعه هم این توضیح لازم است که از دادن پانوشت برای اسامی بسیار مشهور و آشنا پرهیز شده، و برای هر کسی هم که پانوشتی داده شده فقط به بار نخست‌ی که نام آن شخص در این مجموعه آمده اکتفا شده است. ضبط لاتین نام مکان‌ها و آثاری را هم که ذکری از آن‌ها به میان آمده است ندادیم، فقط به این دلیل که ضرورت چندانی برای آن احساس نشد و احتمالاً صفحات زیادی از حد شلوغ می‌شدند و مزاحم آسان‌خواندن متن. از دوستان نشر ماهی، خصوصاً آقای مهدی نوری، که زحمت زیادی برای آماده کردن کتاب و انتشار آن کشیده‌اند، سپاسگزارم.

خشایار دیهیمی

## دفتر اول

۱۹۳۵ - سپتامبر ۱۹۳۷

مه ۱۹۳۵

آنچه می‌خواهم بگویم: می‌توان بی‌هیچ رمانتیزی برای فقر از دست‌رفته احساس حسرت کرد. چند سالی سرکردن در فقر کافی است تا همدلی و شفقتی نسبت به آن پیدا کنی. در این مورد خاص، احساس غریبی که پسر نسبت به مادرش دارد کل همدلی و شفقت او را به وجود می‌آورد. جلوه‌های این همدلی و شفقت را در گوناگون‌ترین زمینه‌ها می‌توان از طریق خاطره‌های نهفته‌ی دوران کودکی (ماده‌ی چسبناکی که به روح درمی‌آویزد) به قدر کافی روشن کرد.

کسی که چنین احساسی را در خود بیابد، نوعی حق‌شناسی و هم‌از آن‌رو، وجدانی معذب دارد. همچنین، اگر کسی مقام و موقعش در زندگی تغییر کرده باشد، از طریق قیاس این احساس را پیدا می‌کند که ثروتی را از کف داده است. برای ثروتمندها آسمان تنها یکی از نعمت‌ها و یکی از ارمغان‌های طبیعت است. اما نزد فقرا آسمان همان خصلت رحمت بی‌کرانش را باز می‌یابد.

عذاب وجدان مستلزم اعتراف است. هر اثر هنری خود اعترافی است و من باید شهادت بدهم. وقتی خوب فکر می‌کنم می‌بینم یک چیز بیش‌تر برای گفتن ندارم. به‌یقین در همین زندگی فقرزده، در میان آدم‌های فروتن یا مغرور بوده است که من چیزی را لمس کرده‌ام که به نظر می‌رسد معنای حقیقی زندگی